

نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان

دکتر شهناز هاشمی*

دکتر سیدرضا صالحی امیری**

لیلا باباخانی***

چکیده

این مقاله با هدف بررسی میزان نقش آفرینی آموزش فعالیت‌های فرهنگی در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در حوزه مدیریت استان تهران و تحلیل محتوای تست‌های خلاقیت دو گروه نوجوانان عضو مراکز کانون و نوجوانان غیر عضو کانون پرداخته است. این فعالیت‌های فرهنگی مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران با ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان رابطه وجود دارد و نوجوانانی که به طور مداوم در این فعالیت‌ها شرکت داشته‌اند، نسبت به نوجوانانی که در این فعالیت‌ها شرکت نداشته‌اند از خلاقیت بالاتری برخوردارند.

کلید واژه‌ها

خلاقیت نوجوانان، تست‌های خلاقیت، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فعالیت‌های فرهنگی

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات

*** دانش آموخته‌ی مدیریت فرهنگی و کارشناس ارشد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

مقدمه

و پرورش دادن این چارچوبهای فکری به او کمک کنیم. با این مقدمه می‌توان دریافت که دوران کودکی و سالهای نوجوانی برای این بهتر دیدن و نگاهی نو داشتن، بی‌تردید از مهمترین و تأثیر گذارترین دوران حیات بشری بشمار می‌آید. زیرا دوره کودکی لبریز از کنجکاوای همراه با یک نوع پاکي معصومانه است و در این دوره است که بسیار جستجوگرانه به دنبال یافتن و آموختن می‌رود و بی‌شک هنگامی که همین کودک پا به دوران نوجوانی می‌گذارد آرام آرام اندوخته‌های دوران کودکی را با تجربه‌های ابتدایی سالهای نوجوانی در هم می‌آمیزد و به تدریج پایه‌های شخصیت و تفکرش شکل می‌گیرد و متوجه می‌شود که دنیا چقدر پر از رمز و رازهای فراوان است و خود را تشنه یادگرفتن و آموختن می‌یابد و هر چقدر که به جلو می‌رود این تشنگی در او شدیدتر می‌شود تا اینکه در خلال همین آزمون و خطاها برای پیدا کردن حقیقت، شخصیت او شکل می‌گیرد و باورها و اعتقاداتش نسبت به جهان هستی در او نهادینه می‌شود. حتماً بسیار شنیده‌اید که ذهن انسان در ابتدای تولد مانند یک CD خام می‌ماند که هر چه خواستی می‌توانی در آن ذخیره کنی. پس سالهای ابتدای تولد سالهای بسیار حساسی است که ما می‌توانیم اطلاعات را در ذهن سرمایه‌گذاری کنیم. چرا از واژه سرمایه‌گذاری استفاده کردیم؟ زیرا ذهن انسان درست مثل یک بانک اطلاعاتی قوی است که برای هر ورودی کدی را تعریف می‌کند و در مرحله بعد این کد را در فایل‌های جدا دسته‌بندی می‌کند و هر چقدر که سن بالاتر می‌رود از این اطلاعات دسته‌بندی شده استفاده‌های گوناگونی می‌کند. پس بهتر است در سالهای ابتدایی به فایل‌های ذهن این اجازه را بدهیم که اطلاعات را فقط به یک شکل دسته‌بندی نکند. فکر انسان از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار است و با مطالعه کتابهای روانشناسی در می‌یابیم که هر روز دانشمندان به ارتباط‌های تودرتوی بین خرد، عقل،

تفکر، قدرت عظیمی است که خداوند در نهاد انسانها به ودیعه گذاشته است و همین تفکر می‌تواند رشد و بالندگی پیدا کند تا جایی که سعدی می‌فرماید:

رسد آدمی به جایی که فرشته ره ندارد

بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

پس باید از این نیروی الهی بیشترین بهره را برد تا بتوان کائنات را درنوردید. اما چگونه؟ آیا این قدرت در تمام انسانها به یک اندازه است؟ آیا عوامل محیطی می‌تواند در رشد و ارتقای این قدرت تأثیر داشته باشد؟ آیا سن خاصی برای پرورش آن وجود دارد؟

مسلماً تفکری که بتواند نو باشد و از زاویه‌های تازه‌ای به دنیا نگاه کند ارزش بیشتری دارد. خلاقیت یکی از بازوهای توانمند فکر محسوب می‌شود، که با پرورش آن می‌توان تفاوت را در زندگی حس کرد. و به قول سهراب سپهری:

چشمها را باید شست

جور دیگر باید دید

این جور دیگر دیدن، نیاز به آن دارد که ما قالبهای کلیشه‌ای ذهنمان را در هم بریزیم و از دریچه‌ای دیگر به دنیا و پدیده‌های هستی نگاه کنیم. شاید قسمت اول کار که همان شکستن قالبهای کهنه ذهنمان است خیلی سخت باشد؛ شاید لازم باشد که دیدمان را از همان ابتدا انعطاف پذیر کنیم تا دچار قالبهای ذهنی خشک نشویم. پس بهتر است از همان اول قدم‌های درست را انتخاب کنیم. به قول شاعر:

خشت اول گر نهد معمار، کج

تا ثریا می‌رود دیوار، کج

چرا که شکستن قالبهای قدیمی و عادت دادن ذهن به انعطاف پذیری، انرژی دوچندان لازم دارد. و این کودک و نوجوان ماست که هنوز قالبهای ذهنی در اندیشه‌هایش شکل نگرفته و ما می‌توانیم در ساختن

شایسته و در خور تحسینی دارد که سوابق ۴۰ ساله این دستگاه چه در عرصه‌های بین‌المللی و چه در عرصه‌های داخلی گویای این ادعا است. اما با تمام توانایی‌ها و امکانات این مجموعه، شاهد آن هستیم که هر روزه از میزان تعداد اعضای نوجوان نسبت به تعداد کل نوجوانان، کاسته می‌شود (البته این مشکل در بخش کودکان وجود ندارد و حتی نسبت به سال‌های قبل در حال رشد است) (نقیب‌السادات، ۱۳۸۰، ۷۰) از این رو بر آن شدیم تا در این پژوهش نوجوانانی که به طور مداوم از فعالیتهای فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سطح استان تهران استفاده می‌کنند (حداقل ۴ سال مداوم)، را با نوجوانانی که از این فعالیتهای استفاده نکرده‌اند، از نظر ارتقای سطح خلاقیت مقایسه کنیم تا به صورت علمی ثابت کنیم که آیا فعالیتهای فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای نوجوانان مفید است و می‌تواند به ارتقای سطح خلاقیت آنان کمک کند یا خیر؟

پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه امر ارتقای سطح خلاقیت در دستگاه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از اساسی‌ترین اهداف سازمانی محسوب می‌شود. تاکنون بسیاری از کارکنان و علاقمندان به پژوهش در این حوزه فعالیتهای فراوانی را انجام داده‌اند. ولی به صورت جدی و در سطح پایان‌نامه کارشناسی ارشد به این مهم پرداخته نشده و جای کار جدی‌تر به صورت پروژه کارشناسی ارشد با هدف نگاه تخصصی به موضوع وجود دارد. به عنوان مثال رشد خلاقیت در نظام آموزش و پرورش و مهارت معلمین در پرورش خلاقیت‌دانش‌آموزان کار شده است. (نقیب‌السادات، ۱۳۸۰، ۶۰).

هوش، خلاقیت و... پی‌می‌برند و رابطه هر کدام از این موارد را در تعامل با یکدیگر و حتی در تعامل با عوامل خارجی که بسیار فراوان، متغیر و پیچیده است، بیان می‌کنند. در نتیجه فکر پیچیده با عوامل محیطی خارجی در هم می‌آمیزد و با نگاهی گذرا به این پیچیدگیها، در می‌یابیم، فرایندی که فکر انسان از بدو تولد تا پیری طی می‌کند، بسیار حساس است و ممکن است در این مسیر پر پیچ و خم دستخوش تأثیرات فراوانی باشد. از این روی اگر ما به نیروی خلاقیت و پرورش آن در نسل امروز بکوشیم، می‌توانیم از این سرمایه‌ای که در کودکان و نوجوانان به ودیعه گذاشتیم، در سالهای جوانی و بالاتر بهره‌های فراوانی ببریم. چرا که انسانهای خلاق بهتر می‌توانند شرایط متغیر و دنیای پیچیده امروز را تجزیه و تحلیل کنند و بهترین را انتخاب کنند.

بیان مسئله

با توجه به اینکه امروزه دستگاه‌های فرهنگی هر کدام به ضرورت رسالت‌های فرهنگی خود اقدام به طرح و اجرای آموزش فعالیتهای فرهنگی با هدف فرهنگ‌سازی و بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی افراد جامعه می‌کنند، بی‌شک نوجوانان را در محیط متغیر و پیچیده‌ای قرار می‌دهد که باید درست را از نادرست تشخیص دهند و می‌بینیم که قدرت تفکر خلاق بیش از سالهای گذشته می‌تواند برای نوجوانان ضرورت داشته باشد تا در سایه آن بتوانند مسیر روشن‌تری را در زندگی خود ترسیم کنند، لذا با توجه به اینکه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با ایجاد برنامه‌های فرهنگی مختلف از قبیل کتاب و کتابخوانی، بحث آزاد، بحث کتاب‌های خاص این گروه سنی، نمایش خلاق، شعرخوانی، معرفی شخصیت‌های برجسته فرهنگی، هنری، نشریه دیواری و... در رشد و شکوفایی نوجوانان این مرز و بوم نقش

سئوالات فرعی پژوهش

آیا آموزش فعالیتهای فرهنگی در مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران، از ویژگیهای یک آموزش خلاق برخوردار است، تا بتواند در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان تأثیر داشته باشد و فضای مناسبی را برای پرورش خلاقیت نوجوانان بوجود آورد؟ آیا ارتقای سطح خلاقیت نوجوانانی که از فعالیتهای فرهنگی مراکز فرهنگی هنری کانون استفاده کرده‌اند بیشتر از نوجوانانی است که از این فعالیتها استفاده نکرده‌اند؟

شکل‌گیری فعالیت‌های فرهنگی و هنری کانون در گذر زمان

تحولات اجتماعی ایران در سالهای پایانی دهه ۱۳۳۰ و سالهای آغازین دهه ۱۳۴۰ از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. تغییرات ریخت‌شناسی شهرها، کوچ دهقانان بی‌نصیب از اصلاحات ارضی از روستاها، گسترش تأسیسات بزرگ صنعتی و تجاری، نیاز به نیروی کار ماهر و غیر ماهر در شهرهای بزرگ، چند برابر شدن فرصت‌های تحصیلی و آموزشی، روی آوردن گروههایی چند به فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و... در یک کلام شتاب گرفتن دگرگونی‌های اجتماعی از ویژگیهای این سالهاست. این تغییرات در شیوه زندگی جمعی، نیازهای تازه‌ای را پیش پای جامعه گذاشت که پیش از این یا به طور جدی آشکار نشده بود یا به دلیل کشمکش‌های داخلی توجهی به آنها نمی‌شد.

اندیشیدن درباره مسائل کودکان و نوجوانان را نمی‌توان از جمله دل مشغولی‌های جامعه در این دوره دانست. نشانه‌های این دل مشغولی هم در تصمیم‌گیری‌های دولت مشهود است و هم در فعالیت بخش‌های مستقل جامعه به چشم می‌خورد. در این

پرداختن به خود مقوله خلاقیت (پارچه باف دولتی، ۱۳۶۷) و رابطه هوش و خلاقیت (پیرخائفی، ۱۳۷۲) ولی از زاویه دید فعالیتهای فرهنگی به پرورش خلاقیت کمتر پرداخته شده است و جای کار بسیاری برای بررسی و شناخت ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان در دستگاههای فرهنگی کشور من جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وجود دارد. به خصوص که در تحقیق حاضر روش اندازه‌گیری خلاقیت نیز ارائه شده است که موضوع نو و جدیدی است به عبارتی در این پژوهش ابتدا به دنبال راه حل‌های مناسب برای اندازه‌گیری خلاقیت پرداختیم و از طریق روش تحلیل محتوا و آزمون و خطاهای متعدد توانستیم تستهای خلاقیت را براساس نظرات گیلفورد تنظیم و اندازه‌گیری کنیم. و در مرحله بعد به مقایسه داده‌های بدست آمده پردازیم. که می‌توان گفت کار نو و جدیدی است.

جنبه جدید بودن و نوآوری طرح

با بررسی تاریخچه شناخت خلاقیت از گذشته‌های دور تا به امروز متوجه می‌شویم که شاید به خاطر کیفی بودن نتایج خلاقیت و قابل اندازه‌گیری نبودن آن، همواره جای کار بر روی این مسئله بسیار زیاد بوده و احتیاج به وقت‌گذاری و تحقیقات فراوانی دارد، تا بتوان به عنوان یک طرح نو و جدید در سیستم آموزش فعالیتهای فرهنگی به آن دست یافت.

سئوال اصلی پژوهش

آیا آموزش فعالیتهای فرهنگی مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران، در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان تأثیر دارد؟

سال‌ها بود که وزارت آموزش و پرورش که قبلاً جزئی از وزارت علوم بود، مستقل شد و در همین دوران بود که مجلات ویژه کودکان و نوجوانان رونق تازه‌ای گرفت و بحث درباره ادبیات کودکان در نشریات وزینی چون «نگین» و «سخن»، رایج شد.

در سال ۱۳۴۰ در کتابهای درسی دبستان دگرگونی بنیادی صورت گرفت، شیوه آموزش الفبا در کتابهای جدید به کلی با شیوه پیشین تفاوت داشت. در این شیوه به رغم گذشته دانش آموزان الفبا را در خلال درس‌ها می‌آموختند و کلمات را نه به شکل قالبی که به کمک شناخت اجزای آن (حروف) یاد می‌گرفتند. به این ترتیب فرایند یادگیری خواندن و نوشتن بسیار آسان شد و به عبارتی سن مطالعه تقریباً سه سال پایین آمد و توانایی خواندن در دانش آموزان دوم ابتدایی آنچنان شد که هر چه را با حروف درشت و در قالب جمله‌های ساده نوشته می‌شد، می‌توانستند بخوانند. اعزام سپاهیان دانش به روستاها نیز، هم به لحاظ کمی تعداد کودکان با سواد را افزایش داد و هم از نظر کیفی بر توزیع جمعیت با سواد در شهر و روستا اثر گذاشت، به گونه‌ای که طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ پانزده درصد کودکان روستایی هفت سال به بالا قادر به خواندن و نوشتن بودند.

این تغییرات جامعه را به آن داشت که به چاره‌اندیشی درباره نیاز کودکان به خواندنی‌های مناسب کرد. به غیر از حرکت‌های پراکنده‌ای که توسط ناشران و نویسندگان مختلف انجام گرفت، ما شاهد شکل‌گیری و فعالیت جدی سه نهاد عمده در حوزه ادبیات کودک و نوجوان در این دوره‌ایم.

نخستین حرکت در سال ۱۳۴۱، «شورای کتاب کودک» بود. دومین حرکت جدی در این زمینه، انتشار سری مجلات «پیک» در سال ۱۳۴۲ است که وزارت آموزش و پرورش به منظور انتشار گروه مجله‌های پیک، با همکاری انتشارات فرانکلین، مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان را تأسیس کرد.

سومین نهادی که در سطح وسیع در حوزه هنر و ادبیات کودکان دست به تلاشی گسترده زد، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» بود. در پائیز ۱۳۴۴ چند تن از فرهنگیان و هنرمندان به دعوت دولت وقت گردهم آمدند تا مقدمات تأسیس کتابخانه کودکان و تهیه مواد خواندنی برای آنان را فراهم سازند. تا قبل از آن پدیده‌ای به نام «کتابخانه کودک» وجود نداشت و شاید همین امر انگیزه اصلی بنیانگذاران کانون را تشکیل می‌داد. به هر حال تصمیم‌ها گرفته شد و بنای یک ساختمان مجهز در پارک لاله آغاز گردید. در فاصله ساختن و اتمام آن، با بررسی‌هایی که انجام شد، معلوم گردید که یک کتابخانه هیچگاه نخواهد توانست به تمامی کودکان و نوجوانان تهران امکان استفاده بدهد. در نتیجه فکر ایجاد کتابخانه‌های دیگر بوجود آمد، کتابخانه‌هایی که می‌باید به طور عمده در نواحی جنوب شهر ایجاد شده و برای کودکان آن نواحی ارائه خدمات نماید. به این ترتیب اولین کتابخانه کودک و نوجوان در «باغشاه» در انباری یک مدرسه کار خود را آغاز کرد و این اولین تجربه بود. اما تأسیس و راه اندازی کتابخانه بدون مواد خواندنی مناسب، کافی نبود چرا که کتابهای موجود آن زمان چندان کیفیتی نداشتند که شوق مطالعه را در کودکان و نوجوانان برانگیزد. ادبیات کودک در سالهای پیش از ۱۳۴۰ به چند شاعر آن زمان مثل «باغچه بان» و «صبحی» محدود می‌شد و نیز انتشارات «نور جهان» و بعدها «معرفت» و «فرانکلین» و «بنگاه ترجمه نشر کتاب» و در آخر «نیل» و «ابن سینا» و «امیرکبیر» در این زمینه دست به تلاش‌هایی زدند، اما تولیدات هیچ یک از آنها به لحاظ شکل و محتوا به گونه‌ای نبود که پاسخگوی نیاز کودکان و نوجوانان باشد.

به دنبال چنین نیازی سازمان انتشارات کانون در زمستان ۱۳۴۵ نخستین گام را برداشت تا به تهیه و انتشار کتاب‌هایی همت گمارد که از هر حیث نمونه باشد، هم نیاز مطالعه کننده را بر آورد و هم ناشران

مجله مدیریت فرهنگی / پیش شماره اول

دیگر را در یافتن بینشی عمیق و در خور نیازهای اساسی جامعه یابوری کند. در پی این اعتقاد که نمی‌توان هر نوع محتوا را به بهانه ساده نویسی در فرهنگ امروز رایج کرد، این اعتقاد را نیز پذیرفت که هرگز نباید تصاویر و شکل‌های قراردادی و متحجر را که در جهت قالبی ساختن اندیشه و هنر آدمی رواج یافته است، به عنوان معیار ذوقی کودکان تلقی کرد و زمینه گسترده و خلاق معیار ذوقی کودکان و نوجوانان را در حد خواست و نیازهای نیروهای بهره‌گیر و سودجو محدود کرد.

کانون برای سامان بخشیدن به موقعیت کتابهای کودکان و نوجوانان، چاپ متن‌های نویسندگان ایرانی را مقدم بر ترجمه آثار خارجی شمرد تا در راه تشویق نویسندگان به خلق این گونه آثار، ادبیات ایران را در این زمینه غنا بخشد و امکان‌های تازه را در این زمینه کشف و عرضه کند. در انتخاب متن‌ها نیز اصل مهم «سنت شکنی و پرهیز از قواعد قالبی و قرار دادی بود» و رد این نکته که کودکان موجوداتی هستند نا آگاه و باید با نوشتن مطالبی پند آموز، آنها را با اصولی که بزرگترها برای خود وضع کرده‌اند آشنا ساخت و آنها را به پذیرفتن‌شان مجبور کرد. به اعتبار دیگر باید از زاویه دید کودک و نوجوان به دنیا نگریست و مطابق با نیازهای او حرکت کرد.

سازمان انتشارات اقدام مجدانهای در جهت همکاری بزرگترین نویسندگان و شاعران معاصر ایران به عمل آورد. و اعتقادش بر این بود که ادبیات کودکان، ادبیاتی است زنده و جستجوگر، که کودکان را به این نکته متوجه می‌کند که هر آنچه دارای ارزش انسانی است، پذیرفتنی و دوست داشتنی است. و این ارزش‌ها را با نیروی آفرینش هنری باید به کامل‌ترین شکل، بیان کرد.

اصل تازگی و جالب بودن، اصلی بود که در تمام رشته‌ها حتی در توضیح مسائل علمی برای کودکان مد نظر سازمان انتشارات بود. انتخاب موضوع

و نحوه باز نمودن آن، تکنیک نقاشی، صفحه آرایی، چاپ و صحافی، زبان و قیمت از جمله عواملی بود که دست اندرکاران سازمان انتشارات کانون توجه خاصی بدان داشتند. در انتخاب داستان‌ها نیز اصل آگاهی بخشیدن به کودکان و نوجوانان بود که می‌بایست اندیشه آنها را به کار انداخت و از ساده‌پسندی دورشان داشت و وادارشان کرد که به مسائل دنیا بنگرند و با تحلیل علمی مسائل آشنا شوند.

با کسب موفقیت‌های گوناگون در نمایشگاه‌ها و مسابقات بین‌المللی در سالهای بعد کانون توانست توجه مخاطبان داخلی را نیز جلب نماید به طوری که برخی از کتابها به چاپ پنجم و ششم رسیدند. این نحوه ارائه کتاب کودک و نوجوان در ایران به هیچ وجه سابقه نداشت و کانون برای نخستین بار اهمیت صفحه‌آرایی، تصویرگری، چاپ و قطع مناسب را با الگوهای محلی به ناشران ایرانی آموخت. تاثیر کتابهای کانون بر تولیدات سایر ناشران، آنچنان بود که تا مدتها قطع خشتی کتابهای کودکان به «قطع کانونی» شهرت داشت.

گام بزرگ دیگر کانون در زمینه تولیدات فرهنگی و هنری تأسیس «مرکز سینمایی» است. این مرکز در سال ۱۳۴۹ به منظور تهیه فیلم‌های ارزنده آموزشی و تفریحی برای کودکان و نوجوانان و راهگشایی در جهت گسترش این صنعت در ایران، فعالیت خود را آغاز کرد. یک سال پیش از آن مدیران کانون مقدمات ساختن این مرکز را فراهم دیدند و به ابتکار یکی از مدیران برجسته کانون، سیرک بزرگ مسکو به ایران دعوت شد. این سیرک در تهران و آبادان نمایش‌هایی اجرا نمود که از محل عواید آن، وسایل ضروری و مقدمات یک استودیوی فیلمبرداری را خریدند. در نخستین سال آغاز فعالیت مرکز سینمایی، پنج فیلم تهیه شد که در پنجمین فستیوال جهانی فیلم‌های کودکان در تهران شرکت کرد، «نان و کلوچه» اثر «عباس کیارستمی» در این فستیوال

خوش درخشید و هیئت داوری بین المللی مجسمه طلایی فستیوال را به مرکز سینمایی کانون اهدا کرد. دو سال بعد در فستیوال ششم «رهایی» ساخته «ناصر تقوایی» جایزه فیلم‌های نوجوان ۱۰ تا ۱۴ ساله را برد و به دست آمدن این‌گونه موفقیت‌ها دست‌اندرکاران کانون را بر آن داشت تا مرکز سینمایی را مورد توجه قرار دهند و در جذب هنرمندان و فیلمسازان، بیشتر بکوشند. تعداد فیلم‌های کانون سال به سال افزایش یافت و بالتبع جوایز و موفقیت‌های بین‌المللی و اقبال داخلی نیز فزونی گرفت. برگزاری جشنواره‌های داخلی و خارجی علاوه بر آن که نشان از توانایی مرکز سینمایی داشت، عرصه‌ای بود که هنرمندان ایرانی با آثار همتایان خارجی خود آشنا تر شوند و بر تجربه و دانش هنری خود بیفزایند. از جمله فعالیت‌های عمده مرکز سینمایی یکی هم تولید انیمیشن بود که تا آن زمان تولید آن را وزارت فرهنگ و هنر و سازمان رادیو تلویزیون در انحصار داشت. در این عرصه نیز کانون همچون سایر عرصه‌ها ابتکار عمل را به دست گرفت و توانست با جذب هنرمندان برجسته‌ای چون نورالدین زرین کلک، فرشید مثقالی، مرتضی ممیز و... آثاری تولید نماید که هنوز در نوع خود از بهترین‌هاست.

هر چند که نقادان پژوهشگران، تجربه کانون را در زمینه فیلم خالی از نقیصه نمی‌دانند و معتقدند ایراداتی چون عدم تناسب آثار با ذهن مخاطبان بر آثار کانون وارد است، با این همه سینمای کودک و نوجوان در ایران با کانون و آثارش آغاز شد که لااقل بخشی از این آثار در زمره افتخارات سینمایی ایرانند. سینمای کانون سینمایی، هنری و تا حدودی اخلاقی-اجتماعی بود که به دور از هیاهو و ابتذال کار خود را دنبال کرد و سنتی را بنا نهاد که واقع‌گرایی و توجه به دنیای خاص کودکان از جمله ویژگی‌های آن است.

اگر «انتشارات»، «مرکز سینمایی» و «کتابخانه‌ها» را سه رکن اساسی کانون بدانیم کتابخانه‌ها (مراکز فرهنگی و هنری) شاید مهمترین رکن کانون به حساب آیند. بخش عمده‌ای از آنچه بنیانگذاران کانون در پی تحقق آن بودند، باید در کتابخانه به منصفه ظهور می‌رسید. هر چند که کتابخانه قبل از هر چیز محل امانت گرفتن و مطالعه کتاب است ولی کتابخانه کودک و نوجوان می‌بایست بیش از این باشد و در آن فعالیت‌هایی برای اعضا پیشنهاد شود که آنها معلومات و کشفیات خود را به طور عملی بیازمایند و این فعالیت‌ها عبارت بود از داستان‌سرایی، معرفی کتاب، معرفی شخصیت، معرفی سرزمین، تئاتر عروسکی، موسیقی، بحث آزاد، بحث کتاب و... که همگی تازگی داشتند و علاوه بر اینکه محیط کتابخانه را برای مراجعین جذاب کرده بودند، این محیط را تبدیل به فضایی کردند که در آن کودکان و نوجوانان تمرین رفتار اجتماعی می‌کردند و مسئولیت‌پذیری و آداب همزیستی مسالمت‌آمیز را می‌آموختند. به یک عبارت کتابخانه‌ها حلقه اتصال دست‌اندرکاران و مخاطبان کانون به شمار می‌آمدند و ابزاری بودند در جهت «پرورش فکری»، «تقویت فضائل اخلاقی» و «گسترش معلومات» که همه در اساسنامه کانون ذکر شده بود.

تأسیس و راه‌اندازی کتابخانه‌ها در بردارنده دو تجربه مهم بود، یکی استقبال و رویکرد روز افزون مراجعین کتابخانه که نشان از نیاز اساسی کودکان و نوجوانان به این گونه محیط‌ها داشت و دیگری مشکلات ناشی از تربیت کتابداری و شیوه ارائه برنامه‌ها در کتابخانه که این مشکلات را کانون با موفقیتی چشمگیر پشت سر گذاشت، البته موفقیتی که جز به مدد تلاشی پیگیر و بی وقفه به دست نیامد و وجه بارز این تلاش را می‌توان «تجربه و آزمون» دانست که پشتکار و خستگی‌ناپذیری دست‌اندرکاران کانون در این زمینه شایسته تحسین است.

بعد اجتماعی نیز تجربه کانون نشان داد که هنرمندان و فرهنگیان با گرایش‌های گوناگون فکری و مسلکی می‌توانند همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و در پی تحقق هدف‌های مشترک با یکدیگر همکاری نمایند.

باشد که از طریق آموزش‌های فرهنگی مناسب در حوزه هنر و ادبیات کودکان و نوجوانان با ارائه کتابها و فیلم‌های مناسب و همچنین فعالیتهای فرهنگی مثل کتابخوانی، قصه‌گویی، شعرخوانی، بحث کتاب، معرفی شخصیت‌ها، تئاتر عروسکی و... بتوانیم گامی برای کودکان و نوجوانان پور شور و خلاق ایران برداریم. (شریفی، ۱۳۵۷)

نوجوانی و فرهنگ

نوجوانی محصول زندگی شهرنشینی دنیای امروز است. در زمان‌های قدیم این کودک بود که پا به دنیای بزرگسالان می‌گذاشت و بزودی با مسائل اصلی زندگی روبرو می‌شد. و فرصتی برای کسب تجربه‌های جدید و تمرین‌های یک زندگی جدی را نداشت به عنوان مثال دختران در سنین پایین حتی قبل از وارد شدن به مرحله بلوغ ازدواج می‌کردند و به اصطلاح جامعه شناسان به این نوع جوامع، جوامع ناپیوسته اطلاق می‌شد زیرا آنها فاصله مشخصی بین مراحل رشد انسان قائل نبودند که امروزه به این نوع جوامع، جوامع غیر صنعتی نیز گفته می‌شود. اما در دنیای صنعتی و پیچیده امروز دنیای کودکی با حد فاصل نوجوانی به دنیای بزرگسالی پیوند می‌خورد. سنین بین ۱۲ تا ۱۶ سالگی را پلی بین دنیای کودکی و بزرگسالی می‌دانند و برای آن ویژگی‌هایی را تعریف کرده‌اند. به عقیده «پیاز» بعد از این مرحله هیچ ساخت ذهنی جدیدی پدید نمی‌آید. به عبارت ساده تر در مرحله نوجوانی، غیر از مسائل عینی دوران کودکی، مسائل ذهنی نیز قابل درک و

به این ترتیب کانون هر روز گام در طریقی تازه می‌گذاشت و شیوه‌ای نوین ابداع می‌کرد تا کودکان و نوجوانان آنچنان تربیت شوند که مسئولیت‌های خویش را احساس کنند و وجدان حرفه‌ای داشته و از روح کار جمعی برخوردار باشند. از جمله ابداعات در خور تحسین کانون، کتابخانه‌های سیار روستایی است. در ابتدا به علت کمبود تعداد دانش‌آموزان هر قریه، کتب محدودی به روستا فرستاده می‌شد. این کتابها طی مدت کوتاهی مطالعه و اغلب بدون استفاده در گوشه‌ای انبار می‌گردید. برای جلوگیری از رکود این سرمایه فرهنگی، برنامه منظمی طرح و تدوین شد، تا کتب ارسالی به روستا، پس از مطالعه کلیه دانش‌آموزان قریه، با کتب روستای دیگر تعویض شود.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بیش از هر چیز، زاده تحولات اجتماعی و نیازهای برآمده از آن بود. فقر شدید در حوزه ادبیات و هنر و تولیدات فرهنگی کودکان و نوجوانان و افزایش تعداد کودکان و نوجوانان با سواد و به تبع آن تشدید نیاز آنان به محصولات فرهنگی مناسب، عواملی بودند که هم‌انگیزه تأسیس کانون شدند و هم موجب موفقیت آن. موفقیتی که در جلب نظر مخاطبان داخلی و کسب جایگاه بین‌المللی نصیب کانون شد.

هر چند کانون در اجرای برنامه‌ها و تحقق هدفهای فراز و نشیب بسیار طی کرد و در گام‌های نخست با دشواری‌های گوناگون مواجه شد، اما در مجموع بر مشکلاتی چون تربیت کادر فنی و یافتن الگوهای بومی مناسب برای تولیدات فرهنگی، فائق آمد و فضایی را ایجاد کرد که در آن یک نسل از هنرمندان و نویسندگان جوان حول محور هنر و ادبیات کودک گردهم آمدند و ضمن شکوفا کردن استعدادهای خود، آثاری آفریدند که هم در نوع خود ارزشمند و بی‌نظیر بود و هم به عنوان الگوهای مناسب مورد استفاده دیگر هنرمندان و نویسندگان واقع شد. از

طرف دیگر موجب شده است که مدت «نوجوانی اجتماعی» طولانی‌تر شود و الگوهای مدنی و فرهنگی ویژه توده نوجوانان پدید بیاید. خصوصیات این فرهنگ جدید نوجوانی، تبعیت از معیارها و استانداردهای گروه‌های هم سن و بی‌اعتنایی نسبت به توقعات و ارزشهای والدین است. (موس، ۲۲۶، ۱۳۵۷)

تعریف خلاقیت

خلاقیت به معنای توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌هاست (زارعی، ۱۳۷۳)

خلاقیت عبارتست از بکارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید. (رضائیان، ۳۱، ۱۳۷۴)

خلاقیت عبارتست از توانایی تجسم، پیش‌بینی و ایجاد ایده‌ها. (خاکی، ۱۳۷۵)

خلاقیت یعنی تشخیص، تمیز، بصیرت، دریافت، درک و انتخاب. (ساعتچی، ۱۳۷۱)

خلاقیت یعنی ارتباط چیزها یا آرایشی که قبلاً با یکدیگر ارتباطی نداشتند. (حائری زاده، ۱۹، ۱۳۸۲)

خلاقیت یعنی نگاهی متفاوت به پدیده‌هایی که سایر مردم نیز آنها را می‌نگرند، دور شدن از چیزهایی واضح و معمولی یا قطع رابطه با تفکر مبتنی بر عادت، خارج شدن از پشت درهای بسته، وصل کردن دوشاخه به پریز خورشید و آواز خواندن با نت‌های خویش. (صمد آقایی، ۱۵، ۱۳۸۳)

«ورنون» معتقد است خلاقیت توانایی شخصی در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها، اشیای جدید و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌ها است که از نظر محققان، ابتکاری و از لحاظ علمی، زیبایی،

فهم خواهد شد. همچنین در این مرحله شروع تفکر تجریدی و استدلال قیاسی را مشاهده می‌کنیم و در این زمان نوجوان می‌تواند تمام راههای حل یک مسئله را تصور کند و به یک مسئله از دیدگاه‌های مختلف نگاه کند. او نه تنها درباره اشیای عینی بلکه درباره تفکرات و عملکردهای ذهنی نیز فکر می‌کند و می‌تواند درباره مفاهیمی مانند فضا و زمان بیندیشد. نوجوان یک نظام ارزشی، درونی و اخلاقی دارد. در این مرحله، رشد ذهنی شامل افزایش دانش و عمیق شدن ادراک می‌شود. (باباخانی، ۱۳۸۵)

در جوامع غرب که یکی از ویژگی‌های آن تحولات سریع در زمینه‌های اجتماعی و تکنولوژی است، نوجوانان در برابر چاره‌جویی‌ها و انتخاب راههای گوناگون قرار گرفته‌اند. در نتیجه مسائلی که مستلزم گرفتن یک تصمیم قاطع یا انتخاب صحیح و اصلی‌اند، در این جوامع، بیشتر از جوامع ابتدایی است، و امکان روی داد انتخاب‌های نامناسب نیز در آنها فراوان است.

مسائل نوجوانی در جوامع پیچیده به گفته «مید»، به وجود معیارها و استانداردهای متضاد و اعتقاد به اینکه هر فرد باید خودش برای خودش به انتخاب پردازد، مربوط است. همراه با این احساس که انتخاب کردن، خود کار با اهمیتی است.

چون بلوغ بدنی و نیز فیزیولوژی، امروزه زودتر از گذشته روی می‌دهد، این امر، مشکل انتخاب را در موارد متضاد، پیچیده‌تر می‌سازد. بسیاری از کارها که در گذشته در سنین بالاتر انجام می‌گرفت، امروزه در سنین پایین‌تر انجام می‌گیرد. از طرفی دیگر نیز توقعات جامعه در مورد تحصیلات طولانی و بیشتر و عالی، پیوسته بیشتر می‌شود. بطوریکه امروزه در حدود ۷۰ درصد از والدین، توقع دارند که فرزندان‌شان به مدارس عالی و دانشگاه بروند. مسئله تقلید از بزرگسالان در سنین پایین، از یک طرف و گسترش طول دوره تحصیل، از

فن‌آوری و اجتماعی، با ارزش قلمداد گردد. (سام خانیان، ۱۷، ۱۳۸۱)

یکی از عوامل بی‌توجهی اولیه به خلاقیت، آن بود که خلاقیت مفهومی مبهم و نامکشوف به شمار می‌رفت. بنابراین محققان کمتر میل و رغبتی نسبت به آن داشتند. به تعبیر دیگر ابهام ذاتی خلاقیت باعث شده بود تا تعارض آشکار بین محققان و صاحب‌نظران بوجود آید. پیامد این عمل نرسیدن به توضیحی روشن و رسا از خلاقیت بود. آن اعتقاد حتی امروزه هم وجود دارد و با وجود تحقیقات فراوان و نسبتاً جامع و مفصل هنوز توافق کاملی بر سر تعریف خلاقیت وجود ندارد. با این حال، این عدم توافق باعث نمی‌شود که تصور کنیم ارائه تعریف از خلاقیت غیرممکن است. مرور تعریف‌های موجود از خلاقیت نشان می‌دهد که این امید هست تا بتوان به نکات مشترکی دست یافت. (پیر خائفی، ۱۳۸۰، ص ۱۰)

جمله‌ای از «شکسپیر» است که می‌گوید: «هیچ چیز مبهم‌تر از واقعیت نیست» ما همیشه این جملات را که «واقعی تر فکر کنید»، «واقع‌بین باشید»، «واقعیت را بیان کنید» و... را می‌شنویم و یا می‌گوییم و منظورمان این است که ابهامی وجود نداشته باشد و همه چیز شفاف بیان شود. ولی «شکسپیر» نظری متفاوت دارد. او می‌گوید باید از واقعیت‌ها فاصله گرفت و به غیر از واقعیت‌ها، فراسوی واقعیت‌ها را هم باید دید تا قوه خلاقیت ما رشد کند. (کریمی، ۱۳۸۴)

بر اساس تعریف «الیوف» خلاقیت، رفتن به فراسوی واقعیت از طریق قوه تخیل است. پس تخیل در اینجا، نوعی بازآفرینی، بسط دهی و باز پدیدآوری واقعیت، فراتر از آنچه که هست می‌باشد. (کریمی، ۱۳۸۴)

اگر خلاقیت را عبارت از استعداد نیروی تخیل، الهام، اصالت و ابداعی که منجر به باز پدیدآوری چیز جدیدی می‌شود تلقی کنیم، آنگاه می‌توان فرد خلاق را کسی دانست که به قول «کانت»

خودش از مکانیزم چگونگی خلاقیت خویش خبر ندارد. (کریمی، ۱۳۸۴)

همچنین خلاقیت را می‌توان فرآیند تکامل بخشیدن به دیدگاه‌های بدیع و تخیلی درباره موقعیت‌های مختلف تعریف کرد. (مورهد، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸)

نویسنده دیگری، خلاقیت را ایجاد آنچه قبلاً وجود نداشته می‌داند و برای آن ماهیتی جدید خواه در ذهن، خواه در عین قائل است و یکی دیگر از نویسندگان خلاقیت را «درخشش یک اندیشه و بوجود آمدن نظر و ایده‌های نو می‌داند» از دیدگاه او خلاقیت کشف چیزی است که موجود بوده، اما به علت کور ذهنی ناشی از عادت دیده نمی‌شده است. خلاقیت نگاهی کنجکاو و کاوشگر به پدیده‌ای قدیمی است که آنرا می‌یابد و آشکار می‌کند. (الوانی، ۲۲۳، ۱۳۸۲)

«گیلفورد» در گزارش پر مغزی در سال ۱۹۵۰ مطرح کرد که خلاقیت در عرصه روانشناسی مورد بی‌مهری محققان قرار گرفته است. از آن زمان دیری نگذشت که این مفهوم مورد توجه محققان واقع شد و یک سیر صعودی در مطالعات و تحقیقات مربوطه به خلاقیت مشاهده شد. گزارش «استیواتر» در سال ۱۹۷۱ نیز نشان داد که این سیر رشد یابنده در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ چیزی در حدود ۱۳۰۰ عنوان مقاله و کتاب را شامل می‌شود. (پیر خائفی، ۱۰، ۱۳۸۰)

مولانا درباره خلاقیت چنین می‌گوید:

هین سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود

بگذرد از هر دو جهان بی حد و اندازه شود.

و سهراب سپهری می‌گوید:

چشمها را باید شست

جور دیگر باید دید

روش و نوع پژوهش

با توجه به این که پرداختن به موضوع «خلاقیت» و مسائل مربوط به آن در حوزه مباحث کیفی جای می‌گیرد و همانگونه که می‌دانیم داده‌های پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی را باید بتوانیم به اعداد تبدیل کنیم تا بتوانیم در مراحل بعدی با استفاده از این اعداد به تجزیه و تحلیل داده‌ها پردازیم، به همین خاطر در این پژوهش داده‌ها از طریق «تست‌های خلاقیت» جمع‌آوری می‌شود و از آنجایی که این تست‌ها به صورت انتخاب گزینه‌ها نیست؛ یعنی نوجوانان باید به هر تست بر اساس قدرت تخیل و خلاقیت خود به صورت پردازش ایده‌ها در قالب جمله‌های دلخواه به تست‌ها پاسخ بدهند. از این رو باید ابتدا بتوان این تست‌ها را طبقه‌بندی و بررسی کرد و به آنها نمره‌هایی را داد تا بتوان بر اساس نمره‌ها به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخت یعنی در ابتدا باید تست‌های کیفی را به اعداد کمی تبدیل کرد و در مرحله بعد به بررسی داده‌های کمی پرداخت. پس به خاطر اینکه بتوان پاسخ‌ها را بررسی کرده و نمره‌گذاری نمود، باید از روش تحلیل محتوا برای بررسی تست‌ها استفاده کرد. زیرا در روش تحلیل محتوا می‌خواهیم به روش علمی، ارتباط بین پیام‌های رسیده (تست‌های خلاقیت) و موضوع مورد نظر را بیابیم. یا به تعریف بهتر، روش تحلیل محتوا، روشی به منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام است که دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادر کننده پیام، علل صدور پیام و آثار پیام، برای تجزیه و تحلیل عینی و منظم پیام‌های مختلفی که از طریق گوناگون مبادله می‌شود به کار می‌رود. (خاکی، ۲۱۳، ۱۳۸۴) در مرحله بعد با استفاده از روش علی مقایسه‌ای و انتخاب آزمون T به مقایسه و بررسی دو گروه مورد مطالعه خواهیم پرداخت.

معرفی تست‌های خلاقیت

در ابتدا لازم به یاد آوری است که تست‌های ارائه شده با توجه به تست‌های استاندارد گیلفورد طراحی شده است و به صورت فعالیت‌های فرهنگی که در مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نوجوانان ارائه می‌شود مناسب‌سازی شده است که به اصطلاح می‌توان گفت با توجه به نظرات گیلفورد در رابطه با میزان اندازه‌گیری خلاقیت، تست‌های گیلفورد بومی‌شده است تا بتوان با توجه به فعالیت‌های فرهنگی کانون این تست‌ها را به نحو صحیح کاربردی کرد و میزان خلاقیت را سنجید که در این مرحله از کارشناسان حوزه خلاقیت و کارشناسان کانون نیز راهنمایی‌های لازم جهت طراحی و ارائه بهتر تست‌ها و نحوه اندازه‌گیری تست‌ها یعنی تبدیل ایده‌های نوجوانان به داده‌های قابل اندازه‌گیری، به عمل آمد.

نظریه نخستین گیلفورد این است که افراد در چگونگی حساسیت‌شان به مسأله متفاوتند. به عنوان مثال، گیلفورد می‌گوید: دو دانشمند را در نظر بگیرید که قصد دارند یک گزارش را کامل کنند. به نظر او اگر فقط یکی از آنها بتواند در نتیجه گزارش «مسأله» را ببیند، مسلماً تنها اوست که قادر می‌باشد درباره نتایج تأمل بیشتری نموده و بنابراین شانس تولید حل مسأله خلاقه را دارد، در حالیکه به نظر ایشان، دانشمند دیگر که قادر به دیدن مسأله نبوده، شانس روی دادن تفکر خلاق را در ذهنش ندارد. گیلفورد همچنین فرض نموده است که افراد در سهولت تولید ایده‌ها نیز تفاوت دارند. به نظر او آنانی که قادرند ایده‌های فراوانی را در زمانی محدود ارائه دهند، افرادی سیال از نظر ذهنی هستند، یعنی احتمال بیشتری هست که ایده‌های معنی‌داری را تولید کنند. ادعای فوق مبتنی بر این فرض است که کمیت ایده منجر به کیفیت آن نیز می‌شود. از این رو گیلفورد تأکید دارد تنها در صورتی تفکر خلاقه مجال بروز می‌یابد که با مسأله از زاویه‌ای

نویسندگان برخوردار شود تا حتماً انعطاف پذیری و ابتکار وجود داشته باشد.

روش اندازه گیری سیالی

سیالی به معنی قدرت تولید فکر است، که برای اندازه گیری آن ابتدا تعداد ایده های نوجوانان شمرده شد. صرف نظر از کیفیت ایده های ارائه شده، زیرا در این بخش کمیت ایده ها مهم است. در مرحله بعد حداکثر نمره را به ۴ طبقه تقسیم می کنیم، تا بتوانیم توزیع فراوانی ایده های ارائه شده را بدست آوریم.

روش اندازه گیری انعطاف پذیری

انعطاف پذیری به معنی تنوع و گوناگونی فکر است. که برای اندازه گیری آن ابتدا ایده ها را از نظر تنوع و گوناگونی طبقه بندی می کنیم. زیرا در این بخش می خواهیم ببینیم که در بین ایده هایی که در مرحله قبل فقط تعداد آنها را شمردیم، چه میزان تنوع داریم. در مرحله بعد حداکثر نمره این بخش را به ۴ طبقه تقسیم می کنیم، تا بتوانیم توزیع فراوانی تنوع در ایده ها را اندازه بگیریم.

روش اندازه گیری ابتکار

ابتکار به معنی منحصر به فرد بودن و یگانه بودن ایده ها است. که در این بخش قصد داریم ایده و نظری را که به فکر افراد دیگر نرسیده و در اصطلاح منحصر به فرد است اندازه گیری کنیم. یعنی ما در این بخش می خواهیم کیفیت ایده ها را بررسی کنیم. همان طور که در بخش انعطاف پذیری کیفیت ایده ها را از منظر تنوع بررسی کردیم، در این بخش می خواهیم کیفیت ایده ها را از منظر دیگری یعنی منحصر به فرد بودن ایده ها، مورد بررسی قرار دهیم. در این بخش امتیازدهی به این صورت است که فردی که ایده منحصر به فردی را ارائه می کند نمره و امتیاز بقیه را

هم دریافت می کند. به عنوان مثال وقتی تعداد جامعه گروه اعضا فعال ۴۴ باشد و در این بین فقط یک نفر توانسته باشد ایده منحصر به فردی داشته باشد، امتیاز بقیه دوستان را هم به همان یک نفر می دهیم. پس نمره او می شود ۴۴ و در مرحله بعد توزیع فراوانی افراد عادی و مبتکر را مقایسه خواهیم کرد.

تست های خلاقیت در فعالیت (۱)

در فعالیت (۱) از نوجوانان خواسته شد تا کاربردهای غیر عادی قوطی حلبی و آجر شکسته را برای ما بنویسند. و قبل از نوشتن با فضا سازی مناسب توسط پژوهشگر، متن زیر به آنها داده شد تا برای هر مورد حداکثر ۲۰ پاسخ دلخواه را بنویسند.

«بیشتر مردم دو شیئی مورد نظر را دور می اندازند یا از آنها کمتر استفاده می کنند. اما آنها صدها استفاده جالب و غیر عادی دارند، که محدود نیست. استفاده های جالب و غیر عادی را که به فکرتان می رسد بنویسید. خود را محدود به کاربردها و استفاده هایی که دیده اید یا درباره آنها شنیده اید نکنید.»

تست های خلاقیت در فعالیت (۲)

در فعالیت (۲) از نوجوانان خواسته شد تا برای جعبه مقوایی و قوطی خالی کنسرو سئوالاتی را مطرح کنند. و قبل از نوشتن با فضا سازی مناسب توسط پژوهشگر، متن زیر به آنها داده شد تا برای هر مورد حداکثر ۲۰ سؤال را طرح کنند.

«درباره دو شیئی مورد نظر هر سئوالی که به ذهنتان می رسد مطرح کنید و بنویسید. این سئوالات باید منجر به پاسخهای گوناگون شود و باید علاقه و کنجکاوی دیگران را در مورد این اشیا برانگیزد. سعی کنید درباره سئوالاتی فکر کنید که معمولاً مردم درباره آنها فکر نمی کنند.»

نوجوانان استان تهران با ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان رابطه مستقیمی وجود دارد.

نتیجه:

نظر به تأیید فرضیه‌های فرعی که برگرفته از موضوع اصلی تحقیق می‌باشند، فرضیه اصلی تحقیق تأیید گردیده و بیانگر آنست که فعالیتهای فرهنگی مراکز کانون توانسته در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان تأثیرگذار باشد.

البته لازم به ذکر است که در نگاه کلی شاید بتوان گفت شدت تأثیر فعالیتهای فرهنگی در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان ۳۲ درصد است، اما با بررسی خلاقیت در ۳ بخش سیالی، انعطاف‌پذیری و ابتکار، درمی‌یابیم که این شدت تأثیر در بخش ارزیابی ابتکار نوجوانان ۵۲ درصد است. و می‌توان نتیجه گرفت که خلاقیت نوجوانان در بخش ابتکار به صورت قوی‌تری تأیید گردیده است.

ب) فرضیه‌های فرعی

آموزش فعالیتهای فرهنگی مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران از ویژگیهای یک آموزش خلاق برخوردار است و در وجود آوردن فضای مناسب برای پرورش خلاقیت نوجوانان تأثیر دارد؟

ارتقای سطح خلاقیت نوجوانانی که از فعالیتهای فرهنگی مراکز فرهنگی هنری کانون استفاده کرده‌اند بیشتر از نوجوانانی است که از این فعالیتهای استفاده نکرده‌اند.

پیشنهادات و توصیه‌ها

۱) با عنایت به ارائه توضیحات نسبتاً جامع در خصوص مبحث خلاقیت و تأثیر فعالیتهای فرهنگی در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان، ملاحظه می‌شود که در تحقیق حاضر نیز این رابطه

تستهای خلاقیت در فعالیت (۳)

در فعالیت (۳) از نوجوانان خواسته شد تا خود را در یک موقعیت غیر محتمل فرض کنند. و قبل از نوشتن با فضا سازی مناسب توسط پژوهشگر، متن زیر به آنها داده شد تا حداکثر ۲۰ پیامد ناشی از فرض مورد نظر را برای ما بنویسند.

«فرض کنید به شما یک موقعیت غیر محتمل داده می‌شود، موقعیتی که احتمالاً هرگز رخ نمی‌دهد. شما باید فقط فرض کنید که این واقعه اتفاق افتاده است. این فرض به شما فرصت می‌دهد تا تخیل خود را به کار بیندازید و به تمام چیزهای جالب دیگری که اگر این موقعیت غیر محتمل رخ می‌داد؛ ممکن بود اتفاق بی‌افتد، فکر کنید. در خیال خود فقط فرض کنید که موقعیت توصیف شده اتفاق افتاده است. سپس به همه چیزهای دیگر که به دنبال آن رخ می‌دهد فکر کنید. به عبارت دیگر چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد. تا حد ممکن حدس بزنید.

موقعیت غیر محتمل

فقط فرض کنید اگر مه سنگینی کره زمین را چنان فرا بگیرد که فقط بتوانیم پاهای مردم را ببینیم چه اتفاقاتی رخ می‌داد این اثر چه تغییری در زندگی کره خاکی ایجاد می‌کرد. اندیشه‌ها و حدس‌های خود را بنویسید.

نتایج پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق و مستندات موجود، فرضیات تحقیق به شرح آتی تأیید گردیده است.

الف) فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد که بین آموزش فعالیتهای فرهنگی مراکز کانون پرورش فکری کودکان و

معنادار مشهود است و این موضوع اهمیت توجه به فعالیت‌های فرهنگی را نمایان می‌سازد لذا پیشنهاد می‌گردد مسئولین سازمان‌های فرهنگی که برای نوجوانان برنامه‌سازی می‌کنند به این مهم که در واقع می‌توان گفت یکی از دستاوردهای مهم فعالیت‌های فرهنگی است توجه کافی داشته باشند. و در ارزیابی فعالیت‌های خود از نظر میزان تأثیر فعالیت‌های فرهنگی بر خلاقیت نوجوانان کوشا باشند. زیرا با توجه به بازخورد فعالیت‌های قبلی می‌توان در جهت بهبود و تعیین مسیر حرکت‌های آینده گام برداشت.

(۲) با عنایت به نتایج بدست آمده از تحقیق پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های فرهنگی در باز تولید فرهنگی به نقش و جایگاه خلاقیت و تأثیر آن بر فعالیت‌های فرهنگی توجه داشته باشند و همواره به اصولی که می‌تواند به پرورش خلاقیت کمک کند در باز تولید فرهنگی لحاظ کنند.

(۳) با توجه به اینکه دریافتیم فرآیند خلاقیت احتیاج به زمان کافی دارد و در تحقیق حاضر نیز مشاهده کردیم نوجوانانی که حداقل به طور مداوم چهار سال از فعالیت‌های فرهنگی بهره برده‌اند، توانسته‌اند در آزمون خلاقیت امتیاز بیشتری کسب کنند و به این نتیجه مهم می‌رسیم که فعالیت‌های فرهنگی، برای به ثمر رسیدن احتیاج به برنامه‌ریزی بلند مدت دارند و لزوم توجه به این نکته در برنامه‌ریزی‌ها بسیار مهم و ضروری است.

(۴) در این تحقیق دریافتیم که خلاقیت به لحاظ این که جزو مسائل کیفی محسوب می‌شود و اندازه‌گیری آن از ابعاد مختلف، از مقوله‌های جدید است، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های فرهنگی برای پر رنگ‌تر شدن این بخش تلاش کنند، زیرا علوم رفتاری و تبدیل آن به داده‌های کمی از ظرافت‌های خاصی برخوردار است. درست همان اندازه که همه انسانها با هم متفاوت هستند و در شرایط متفاوت

نیز رشد و پرورش می‌یابند، می‌تواند این ظرافت‌ها را حساس‌تر کرده و از پیچیدگی‌های آن سخن بگوید. به همین منظور تحقیق و پژوهش در این رابطه بسیار اهمیت دارد، زیرا تئوری‌هایی که ما در رفتارهای انسانها مطرح می‌کنیم باید جایی برای آزمون مجدد آنها پیدا کرد تا بتوانیم این تئوری‌ها را کاربردی و ملموس‌تر کنیم و در جهت پیشبردهای کاری‌اینده از آنها استفاده کنیم. که یکی از مهم‌ترین این موارد می‌تواند توجه به خلاقیت و ملموس‌تر شدن آن در فعالیت‌های فرهنگی باشد.

(۵) با عنایت به تحقیقات گذشته که در کانون صورت گرفته، مبنی بر کاهش تعداد مراجعه نوجوانان به مراکز فرهنگی نسبت به سالهای گذشته، و با توجه به پژوهش حاضر که فعالیت‌های فرهنگی توانسته در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان تأثیر بگذارد، پس می‌توان پیشنهاد کرد که حتماً کانون برای ارائه فعالیت‌های فرهنگی خود در حوزه تبلیغات گام بهتری را در آینده بر دارد تا نوجوانان را از ارائه اینگونه فعالیت‌ها آگاه سازند. نکته مهم دیگر این حرکت می‌تواند ظهور فعالیت‌های فرهنگی با توجه به نیازهای نوجوانان امروز باشد و پیشنهاد می‌شود که از برنامه‌هایی نظیر فعالیت‌های کامپیوتری مثل آشنایی با وبلاگها، طراحی مجلات اینترنتی، تلاش برای راه‌اندازی کتابهای الکترونیکی و حتی بازیهای رایانه‌ای مفید که می‌تواند ضمن بالابردن اطلاعات و مهارت‌های لازم برای نوجوانان جذاب بوده و به پرورش خلاقیت آنها کمک کند، استفاده کنند و در همین زمینه پیشنهاد می‌شود تا کانون مربی‌های، که پل ارتباطی بسیار قوی مخصوصاً با نوجوانان هستند خود را با دانش و اطلاعات به روز آشنا سازد تا نوجوانان در کنار مربی‌های خود احساس کنند که می‌توانند به آنها تکیه کرده و برای هدایت مسیر خود از این مربیان دلسوز یاری بگیرند. زیرا وقتی نوجوانان احساس می‌کنند که مربی دانش و اطلاعات به روزی

خلاقیت باعث می‌شود تا این مسیر پر پیچ و خم را هوشیارانه و با موفقیت پشت سر بگذاریم.

فهرست منابع

- ۱) آقای فیثانی، تیمور، ۱۳۷۷، خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها، انتشارات ترمه، تهران.
- ۲) الوانی، سیدمهدی، ۱۳۸۲، مدیریت عمومی، نشر نی، تهران.
- ۳) پیر خائفی، علیرضا، ۱۳۸۰، پرورش خلاقیت، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران.
- ۴) حائری زاده، خیریه بیگم، ۱۳۸۲، تفکر خلاق و حل خلاقانه مسئله، نشر نی، تهران.
- ۵) رضائیان، علی، ۱۳۸۲، مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات سمت، تهران.
- ۶) سام خانیان، محمد ربیع، ۱۳۸۱، خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی، انتشارات اسپند هنر، تهران.
- ۷) باباخانی، لیلا، ۱۳۸۵، مقاله رد پای نوجوانی، روزنامه همشهری محله ۱۱، شماره ۱۳۱.
- ۸) پارچه باف دولتی، رمضان، ۱۳۶۷، پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع خلاقیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- ۹) نقیب السادات، سید رضا، ۱۳۸۰، نیاز سنجی و ضرورت سنجی پژوهش از بخشهای مختلف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (اولویتهای پژوهشی در زمینه کودک و نوجوان)، به سفارش واحد پژوهش کانون، تهران.

درد بهتر می‌توانند به آنها اعتماد کرده و در نهایت مسیر اجتماعی شدن نوجوانان از طریق انجام فعالیت‌های فرهنگی بهتر صورت می‌گیرد و به پرورش خلاقیت آنها کمک خواهد کرد.

۶) با توجه به اینکه نتیجه پژوهش حاضر ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان امروز را در استفاده از فعالیت‌های فرهنگی متوسط ارزیابی کرده است، می‌توانیم به مسئولین پیشنهاد کنیم که در آینده آسیب‌شناسی فعالیت‌های فرهنگی را در حوزه فعالیت‌های خود قرار دهند تا با شناخت این آسیب‌ها بتوانیم نتایج بهتری را کسب کنیم. برای این منظور باید ابتدا موانع پیشرفت خلاقیت را شناسایی کرده و آنها را با فعالیتهای فرهنگی تطبیق داد.

۷) فعالیتهای فرهنگی باید پویا و زنده باشند، درست مثل فرهنگها که اگر ساکن و ایستا باشند محکوم به فنا و نابودی می‌شوند، فعالیتهای فرهنگی نیز از همین شاخص برخوردارند و با در نظر گرفتن خلاقیت و اندازه‌گیری آن و تلاش در پرورش آن می‌توانیم فرهنگی پویا و فعال داشته باشیم که هر روز حرفی تازه برای گفتن دارد، حال اگر به سراغ نوجوانان برویم و همانطور که در تحقیق حاضر گذشت نوجوانان را بسیار پرنرژی و جویای تنوع و تازگی یافتیم که می‌خواهد هر روز به تجربیات خود اضافه کنند تا در سایه این تجربیات چارچوبهای فکری خود را شکل دهند و بعد از آن به سراغ دنیای پر از شتاب و حجم بمباران اطلاعاتی کنونی برویم درمی‌یابیم که اگر هر روز حرفی تازه برای گفتن نداشته باشیم و زنده و پویا نباشیم، نمی‌توانیم خود را با مسیری که در آن قرار گرفته‌ایم همراه کنیم و درست در همین نقطه است که اگر به پرورش خلاقیت نوجوانان بها بدهیم، می‌توانیم دریچه‌های جدیدی را رو به دنیای آنها بگشاییم و آینده‌ای روشن را برایشان ترسیم کنیم. زیرا